

کوان

(کتاب غولان مانی)

آرمان بختیاری^۱

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۹/۱۸ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۱/۲۰)

چکیده

نویسندگان و دانشمندان اسلامی از جمله ابن ندیم، بیرونی - شهرستانی و یعقوبی دانسته‌های ارزشمند خود را درباره مانی و دین او در نوشته‌های خود آورده‌اند و این همه پیش از آن است که اروپاییان شناخت درستی از این دین فراموش شده داشته باشند. ابن ندیم چنان با درستی و گزارش گونه و بی‌هیچ پیش داوری‌ای درباره این دین سخن گفته است که در جهان باستان بی سابقه است. هرچه که او گفته نیز پس از یافتن دست نوشته‌های مانوی تأیید شد. از جمله در گفتار او درباره دین مانوی در الفهرست، نام کتاب‌های مانی نیز آمده است که یکی از آنها کوان (کتاب غولان) است. هنینگ (۱۹۴۳) نخستین کسی است که قطعه‌های تورفانی کوان را بازشناسی کرد. زوندرمان (۱۹۷۳ و ۱۹۸۴) چند قطعه دیگر را منتشر ساخت. وی (۱۹۹۴) چند قطعه سغدی و ویلکنس (۲۰۰۰ و ۲۰۱۶) قطعه‌های اویغوری را منتشر ساخت. مورانو (۲۰۰۹ و ۲۰۱۱) چند قطعه دیگر سغدی را منتشر کرد. ابن ندیم پس از نام بردن از کتاب غولان گویا درباره محتوایش نیز سخن گفته بود که متأسفانه در همه دست نوشته‌ها، این بخش از میان رفته است. در این جستار کوشش شده تا گفته‌های ابن ندیم و دیگر دانشمندان اسلامی با دست نوشته‌های یافت شده از کوان سنجیده شود تا از این راه بتوان به شناختی کلی از محتوای کتاب غولان و ساختارش دست یافت.

کلید واژه‌ها: دین مانوی، کوان، کتاب غولان، ایرانی میانه تورفانی، نوشته‌های اسلامی درباره دین مانوی.

۱. دانشیار گروه فرهنگ و زبانهای باستانی دانشگاه بوعلی سینا همدان، (نویسنده مسئول)؛

Email: rabakhtyari@basu.ac.ir.

مقدمه

دین مانوی در زمان ساسانیان، ایران، میان رودان، شمال آفریقا، امپراطوری روم، از آسیای مرکزی تا مرزهای چین را در نوردیده بود. خاقان اوغور به مناسبت تشریفش به این دین کتیبه‌ای به نام قره بلگسون از خود بر جای گذاشت [۷، ص ۳۶۱]. برادر شاپور، پادشاه بزرگ ساسانی به نام *Mihršah* «مهرشاه» خداوندگار میشان بر پایه دست نوشته M471 به پای او افتاد (*pad freštag pād kaft* ...) [12, p 37, 38] آموزگاران مانوی رهسپار خاور و باختر شده بودند تا این دین را به زبان‌های دیگر برای مردم آن سرزمین‌ها بیان کنند. مانی خود گرایش فراوانی به نوشتن داشت و آن گونه که از دست نوشته M5794 از قطعه‌های تورفانی برمی‌آید، یکی از نشانه‌های برتری دین خود را بر دین‌های دیگر در این می‌دانست که دینش به همه زبانها آشکار خواهد شد (*den ī man* *pad harw šahr ud pad wisp izwān paydāg bawād* ...) [12, p 29]. به گفته جا حظ مانویان به آراستن کتاب‌های خود اهمیت فراوانی می‌دادند [عزیزی، ص ۴۳، ۱۱]. این گفته نیز به خوبی با یافته‌های تورفانی تأیید می‌شود. همچنین رساله چینی مانوی که شاون - پلیو آن را در ۱۹۱۱ و ۱۹۱۳ منتشر کردند نشان می‌دهد که مانستان‌های مانوی پنج تالار داشتند که یکی به کتاب‌ها و نگاره‌ها، یکی به روزه و بیانات، یکی به پرستش و اعتراف، یکی به آموزه‌های دینی و دیگری هم به دینمردان بیمار اختصاص داشت [۴، ص ۶۶].

یافته‌های مانوی از واحه تورفان به خوبی گویای این واقعیت است که مانی و پیروان او همانگونه که گفته شد، دلبستگی فراوانی به نوشتن و آراستن نوشته‌هایشان داشتند. این یافته‌ها که از اوت ۱۹۰۲ تا ۱۹۱۴ به دست کاوشگران آلمانی، روس و ژاپنی از دل ریگزارهای واحه تورفان برون آورده شد بیش از ۴۰۰۰۰ دست نوشته پراکنده است که از بایگانی تاریخ خارج شد [۹، ص ۱۷۷]. این دست نوشته‌ها به هفده زبان نوشته شده است: سریانی، زبانهای ایرانی-فارسی میانه، پهلوی اشکانی، سغدی، بلخی، تمشقی - ترکی باستان یا اوغوری، زبانهای هندی سنسکریت و پالی، دو گونه از زبان هند و اروپایی تخاری، زبانهای آسیای خاوری - مغولی - تبتی، تنگوتی و چینی - و حتی بر یکی از قطعه‌های سغدی، سطری به یونانی نگاشته شده است [۹، ص ۱۷۸]. بیشتر این دست نوشته‌ها دارای درون مایه دینی و از پیروان دین‌های بودایی، نسطوری و مانوی است [۹، ص ۱۷۸].

پژوهشگران توانستند پس از دستیابی به این بایگانی بزرگ تاریخی و رمزگشایی از خط‌ها و زبان‌های آن، دانسته‌هایی دست اول بر پایه قطعه‌ها از این دین فراموش شده به دست آورند. اما همانگونه که گفته شد پیش از دستیابی به این متن‌ها، دانشمندان و نویسندگان اسلامی چون ابن ندیم، بیرونی، شهرستانی و یعقوبی آنچه را که پیشتر خود از دست نوشته‌های اصلی مانوی خوانده و به چشم دیده بودند به زبان عربی یا فارسی برای ما به یادگار نهادند. نوشته‌های آنان به راستی آگاهی‌هایی دست اول از این دین فراموش شده، فرادید پژوهشگران نهاده است. آنچه که آنان گفته‌اند یا در نوشته‌های تورفانی آمده است یا هنوز در میان یافته‌های تورفانی، یونانی و قبطی باید به جستجو پرداخت تا بتوان گفته‌ای در تایید سخنان آنان یافت. برای مثال نویسندگان و دانشمندان نامبرده کتاب‌های مانی را آورده‌اند. از جمله ابن ندیم در *الفهرست*: «مانی را هفت کتاب است، یکی به فارسی و شش به سریانی، زبان سوریا و از آنها [است]: کتاب *سفرالاسرار* و محتوای ابوابی است» (در اینجا ابن ندیم نام باب‌های این کتاب را آورده است). «کتاب *سفرالجابره* و [آن] دربردارد... کتاب *فرائض نیوشایان*، کتاب *فرائض گزیدگان*، کتاب *شاپورگان* و [آن] دربردارد... [۳، ص ۳۷-۳۴] بیرونی نیز درباره نوشته‌های مانی چنین آورده است:

«در کتاب علم الهی محمدبن زکریا دلالت بر کتب مانی و مخصوصاً *سفرالاسرار* را دیدم و خیلی شوق به دیدن آن کتب پیدا کردم و چهل و چند سال گشتم تا کسی از همدان به خوارزم آن کتب را آورد و من از دیدن *سفرالاسرار* آن حال شادی پیدا کردم که تشنه در دیدن آب پیدا می‌کند و پس از مطالعه کتاب آن حزن پیدا شد که به وبائی دست می‌دهد. پس آنچه در این کتاب از هذیان محض و هجر بحت بود خلاصه کردم تا مردم متنبه شوند [۴، ص ۲۰۹-۲۱۰].

از این نوشته چنین برمی‌آید که کتاب *سفرالاسرار* مانی تا زمان بیرونی وجود داشته و بیرونی آن را دیده و خوانده بود. خود وی در آثار الباقیه به دقت درباره *انجیل مانی* سخن گفته است. درباره *انجیل مانی* یعقوبی و شهرستانی نیز سخن گفته‌اند [۶]. بر پایه آنچه گذشت نوشته‌های دانشمندان اسلامی درباره مانی و دینش به دلیل اهمیت و اصلتی که دارد باید پایه و بنیاد پژوهش‌های مانی‌شناسی قرار گیرد.

پیشینه پژوهش

هنینگ نخستین کسی بود که در سال ۱۹۴۳ توانست قطعه‌های مانوی کتاب *غولان*

مانی را در میان نوشته‌های تورفانی شناسایی کند. وی قطعه‌های فارسی میانه، سغدی، پهلوانیگ و اویغوری کوان را که شناخته بود تحت عنوان *Book of Giants* "کتاب غولان" منتشر ساخت. افزون بر آن نقل قول‌هایی از این نوشته مانی را نیز که در دیگر نوشته‌های شناخته شده آمده بود، همانجا آورد [15]. از آن زمان تا کنون همگام با پیشرفت در پژوهش‌های مانی شناسی، قطعه‌های دیگری نیز بدان افزوده شد. زوندرومان در سال ۱۹۷۳ قطعه فارسی میانه M5900 و قطعه پهلوانیگ M8280r را منتشر ساخت [20]. وی در سال ۱۹۸۴ قطعه L را از مجموعه سن پترزبورگ منتشر کرد [21] و سپس در سال ۱۹۹۴ قطعه سغدی به خط مانوی M7800a را منتشر کرد [22]. ینس ویلکنس در سال ۲۰۰۰ چند قطعه اویغوری نو یافته از کوان را بدین مجموعه افزود [23]. وی سپس در سال ۲۰۱۶ قطعه اویغوری را که هنینگ منتشر کرده بود بازخوانی کرد و منتشر ساخت [22]. مورانو در سال ۲۰۰۹ قطعه M813I را منتشر کرد [18]. او سپس در سال ۲۰۱۱ قطعه‌های سغدی So20193a، So10700a، So10701a، سغدی So14255، So14256 و So20193b را نیز از کوان دانست. بختیاری در سال ۱۳۹۷ قطعه‌های نامبرده مورانو را بررسی کرد [۵].

پرسش‌های پژوهش

پژوهش حاضر برای پاسخ به پرسش‌های زیر به نگارش درآمده است.

- ۱- ساختار بنیادین کوان چیست؟
- ۲- آیا بر پایه آنچه نویسندگان اسلامی از جمله ابن ندیم در نوشته‌های خود درباره کوان آورده اند و آنچه که در خود متن‌های مانوی آمده است، می‌توان به ساختار بنیادین کوان یا به بخشی از آن دست یافت؟

کوان در نوشته‌های دانشمندان اسلامی

نام این کتاب در نوشته‌های عربی و فارسی، در خود نوشته‌های مانوی، نوشته‌های چینی و یونانی و قطبی آمده است. الغضنفر در *المُشاطه لرساله الفهرست* در صفحه ۵۹ به بعد درباره ساخت برج بابل و داستان‌های پیش از طوفان، غولها و نبردشان سخن گفته است: "کتاب غولان مانی بابلی پر است از داستان‌های غولانی چون سام و نریمان که هر دو نام از کتاب اوستای زردشت آذربایجانی گرفته شده است. در عین حال هندیان از

آمدن Wasudeva سخن می‌گویند که فرستاده شد تا جهانی را به نظم درآورد و غول‌ها را نابود کند. Vyasa پسر برایش کتاب‌هایی نوشته است که دارای یکصد و بیست هزار شعر است که همه از داستان‌های این غول‌ها به ویژه از نبردشان و احوالاتشان گفتگو می‌کند [17, pp 198-201].

مسعودی در *التنبیه و الاشراف* نام کتاب را به گونه *الجبله* آورده است که در واقع گونه‌ای تحریف شده از *الجیره* است. «و قول اصحاب المانویه انه الفار قلیط الذی وعد به المسیح و ما ذکر مانی من ذلک فی *الجبله* و فی کتابه المترجم بالشابرقان و فی کتاب سفرالاسفار و غیرها من کتبه ... [۱۱، ص ۱۱۷].

احمدبن اسحق در تاریخ یعقوبی چنین آورده است:

"مانی کتاب‌هایی برای اثبات دو مبدأ نوشت. یکی از آنها کتاب‌هایی است که آن را *کنزالاحیاء* نامیده است و آنچه را از نجات نورانی و تباهی ظلمانی در نفس است توصیف می‌کند. کارهای پست را به ظلمت نسبت می‌دهد ... دیگر کتاب *سفرالجباره* مانی را کتاب‌ها و رساله‌های بسیاری است [۲، ص ۱۹۶].

بیرونی در رساله فی فهرست کتب محمدبن زکریا الرازی آورده است: «... من کتب المانویه علی فرقماطیا، *سفرالجباره* و *کنز الاحیاء* و *صبح الیقین*، *التاسیس و الانجیل* ...» [۴، ص ۲۰۹].

وی در آثار الباقیه عن قرون الخالیه از این کتاب یاد کرده است:

«کتباً کثیره *کانجیله* و *الشابورقان* و *کنز الاحیاء* و *سفرالجباره* و *سفرالاسفار* و مقالات کثیره ...» [۴، ص ۲۰۵].

علیقلی میرزا در *طبقات المضلین* نام این کتاب را آورده است:

«... کتب بسیاری تألیف کرد مثل *انجیل مانی* و *شاپورقان* و *کنز الاحیاء* و *سفرالجباره* و *سفرالاسفار* و مقالات بسیاری ...» [۴، ص ۵۱۰].

محمد عوفی بخاری در *جوامع الحکایات و لوامع الروایات*:

«...*انجیل* و *شاپورگان* و *سفرالاسرار* و *سفرالجباره* و *کنز الاخبار* ...» [۴، ص ۵۱۰].

بررسی ساختار بنیادین کوان

ابن ندیم آنجا که بخش‌های نوشته‌های مانوی را نام می‌برد آن را به عربی "باب" می‌نامد. برای نمونه در ذکر بخش‌های کتاب *سفرالاسرار* می‌گوید:

«کتاب سفرالاسرار و یحتوی علی الابواب ...» [۳، ص ۵۷] در مورد کتاب غولان چنین می‌گوید:

"کتاب سفرالجباره و یحتوی ... [۳، ص ۵۸].

همین عبارت را در مورد شاپورگان نیز آورده است:

«کتاب الشابرکان و یحتوی علی باب ... باب ... باب ...» [۳، ص ۵۸].

در مورد سفرالاحیاء و کتاب فرقماطیا نیز پس از "یحتوی"، قطعه‌ها افتادگی دارند. از آنجایی که در همه دست نوشته‌ها، متن عربی الفهرست، پس از "و یحتوی" افتاده است، می‌توان با سنجش این عبارت با عبارت‌های همانندی که در بالا ذکر شد، جمله الفهرست را بدین‌گونه بازسازی کرد:

«کتاب سفرالجباره و یحتوی [علی باب / ابواب]». اما تنها در یک دست نوشته به نام (cod. V) پس از یحتوی علی، واژه مواعظ آمده است [17, p 198]. پس بر پایه همین دست نوشته، می‌توان جمله ابن ندیم را بدین‌گونه بازسازی کرد:

«کتاب سفرالجباره و یحتوی علی مواعظ...». این نکته‌ای بسیار مهم است که تاکنون بدان توجه نشده است.^۱

واژه‌ای که در متن عربی ابن ندیم برای مواعظ (جمع موعظه) به کار رفته، در پهلوی اشکانی با دو کلمه *saxwan* و *wifrās* آمده است. در فارسی میانه به جای *saxwan* واژه *gowišn* به کار رفته است. برای هر سه مورد در زبان آلمانی برابر نهادهای "*Homilie* و *Rede, Sermon*" به کار می‌رود. زوندرمان برای *saxwan* برابر نهاد «فصلی از یک آموزه، موعظه، تمثیل» و برای *wifrās* «موعظه، رساله» را به کار می‌گیرد. این دو عبارت در متن‌های مانوی نه تنها برای نوشته‌های بلند بلکه برای نوشته‌های کوتاه یک صفحه‌ای نیز به کار رفته‌اند. از جمله *hwnsndyft wyfr's* "موعظه / سخن / آموزه / اندرز خرسندی" [14, p35, 36].

پس کوان (کتاب غولان مانی) بر پایه این دست نوشته از الفهرست ابن ندیم دارای مواعظی بوده است. مواعظی لطیف چنان تنظیف‌هایی درمانگر آنگونه که زبور قبطی می‌گوید: «چاقویش برای بریدن، کتاب رازان و تنظیف‌های درخشانش کتاب کوان است. هر

۱. خود کسلر در پانوشت صفحه ۱۹۸ کتاب خود به آلمانی چنین آورده است. "Das in cod.V dort hinter dem علی stehende مواعظ "Ermahnungen" ist ohne zweife ein wertloser Einfall des Schreibers." در دست‌نویس V پس از علی، مواعظ آمده است که بی‌تردید افزوده‌ای بی‌ارزش از نویسنده است."

درمانش ...» [۱، ص ۱۲۴]. زبور قبلی کوان را پس از رازان آورده است. رازان را چاقوی درمان بخش می‌داند اما کوان را تنظیف‌هایی می‌داند که پس از زخم زدن می‌نهند تا زخم را بهبود بخشد. پس کوان آن خشونت رازان و محتوای تهاجمی آن را نداشته است. مرهمی بوده است بر زخم پیروانش. مواعظی که چنان تنظیف‌هایی درخشان بر زخم‌های روان دیناوران مانوی جای می‌گرفت. اینک باید پرسید که این کتاب دارای چه مواعظی بوده است؟ و اصولاً در بر دارنده چه مطالبی بوده است؟

بررسی محتوایی کتاب غولان بر پایه قطعه‌های تورفانی

دسته‌بندی متن‌های مانوی کوان بر پایه محتوا:

همانگونه که گفته شد، هنینگ نخستین کسی بود که قطعه‌های تورفانی کوان را شناسایی کرد و از آن زمان تا کنون قطعه‌های بیشتری از این کتاب مانی شناسایی شده است. بر پایه آنچه گذشت همه قطعه‌های کوان (فارسی میانه، پهلوانیگ و سغدی) را می‌توان در دسته بندی زیر جای داد:

(۱) رویدادهایی درباره دیوها (کوان) همانگونه که از نام خود کتاب برمی‌آید:

الف) شورش در دیده‌بانی پادشاه افتخار، یکی از پنج فرزند مهرایزد. دویست دیو (نگهبان/اگرگوروی) به زمین هبوط می‌کنند. زیبایی زنان آدمی را می‌بینند. هنرها و رازهای ممنوعه بهشتی را به آنها می‌آموزند. متن‌های این بخش عبارتند از متنهای قبلی + فارسی میانه + سغدی که هنینگ منتشر کرده [15] + متن پهلوانیگ که زوندرمان منتشر کرده [20] + متن اویغوری که ویلکنس منتشر کرده است [23]. برابر است با سفر پیدایش و نیز کتاب غولان آرامی [19,p102].

ب) شه‌میزاد (یکی از رهبران دیوها) دو دیو نر پدید می‌آورد: سام (=أهیّه) و پات-سام (=نریمان یا آهیّه). دیوهای دیگر پدید آورنده دیوهای بسیاری هستند. متن‌های این بخش عبارت است از متن سغدی+متن عربی [15]. برابر با کتاب اول اخنوخ عهد عتیق [19,p 102].

ج) کنش غولها: نخستین هشدار از بهشت. یکی از غول‌ها به نام ماهوی پسر یکی از نگهبانان که به زمین فرستاده شده در حالیکه در طلوع آفتاب در پرواز است، صدایی را می‌شنود. صدای اخنوخ را که به او هشدار می‌دهد پیش از غروب آفتاب فرود آید. باله‌ایش در آتشند. هنگام بازگشت به زمین دوباره صدایی را از بهشت می‌شنود که او را به اخنوخ رهنمون می‌شود. سام و ماهوی ستیز دارند و کسی به ماهوی اطمینان می‌دهد

که او در برابر سام پاییده خواهد شد. متن‌های این بخش عبارتند از: فارسی میانه [15] + متن اویغوری [24] + متن سغدی [15]. با ارجاع به کتاب *غولان آرامی* [19].

د) *غولها ربودن زنان، کشتن یکدیگر و دیگر آفریده‌ها را آغاز می‌کنند. سام در خواب می‌بیند تخته‌ای در آب می‌افتد. چنین می‌نماید که سه نشانه نبرد، گریز و ویرانی پدید آمده است. نریمان در خواب باغی پر از درخت می‌بیند. اخنوخ آن را چنین گزارش می‌کند: درختها نگهبانان و غولها هستند. متن‌های این بخش عبارتند از: فارسی میانه [15] + متن اویغوری [23] + فارسی میانه [15]. برابر با کتاب *غولان آرامی*، کتاب اول اخنوخ و متن‌های میدرش شمحزی و عزیل*

ه) ۴ فرشته مقرب گلایه زمین را در پیشگاه پادشاه افتخار می‌آورند و او را می‌ستایند. اخنوخ میانجی‌گری می‌کند. *غولها هراسان در پیشگاه او گرد می‌آیند و درخواست بخشش می‌کنند. گویا آنها قول می‌دهند روشهای خود را اصلاح کنند. متن‌های این بخش عبارتند از دو متن سغدی [15].*

و) اخنوخ (۹) به *غولها هشدار می‌دهد که آنها به آتش خواهند افتاد تا با عذاب ابدی روبرو شوند و توضیح می‌دهد که چگونه درستکاران از این آتش رهایی خواهند یافت. متن‌های این بخش عبارت است: از فارسی میانه [15].*

ز) پیغام اخنوخ به *غولها. اخنوخ پیغامی به غولها و غول‌زادگان می‌دهد که آنها آرامش نخواهند یافت و نابودی فرزندان خود را خواهند دید. آنها برای ۱۲۰ سال فرمان خواهند راند. سپس او ناحیه‌ای پر بار را در زمین پیش‌بینی می‌کند. متن‌های این بخش عبارت است از: فارسی میانه [15]، برابر است با کتاب *غولان آرامی* و کتاب اول اخنوخ [19].*

ح) پیام اخنوخ به *غولها. رویای سام. ماهوی با دو تخته سنگی می‌آید. او آنها را آورده است تا محتوای یکی از آنها را به غولها و دیوها اطلاع دهد. شهمیزاد به او می‌گوید که نوشته اخنوخ را بخواند.*

سام به دیگر *غولها* می‌گوید که شادی کنند و بخورند، اما آنها بسیار اندوهگینند که بتوانند چیزی بخورند و به جایش به خواب می‌روند. سام خواب می‌بیند. او به آسمان می‌رود و می‌بیند که آبهای زمین با گرما نابود شده‌اند و دیو خشم از آب بیرون می‌جهد او سپس فرمانروایان بهشتی را می‌بیند. متن‌های این بخش عبارت است از: فارسی میانه [15]، برابر با کتاب *غولان آرامی*.

ط) سام و نریمان آماده نبرد می‌شوند. کسی (اخنوخ؟) می‌گوید که او چگونه گروهی

(از غولها؟) را دیده است که می‌گیرند و زاری می‌کنند و گروهی دیگر را که فرمانروایانی گناهکار بودند. سام در برابر خدای خورشید زانو می‌زند و برای گناهانش طلب بخشایش می‌کند. متن‌های این بخش عبارتند از: فارسی میانه [15]، + متن اویغوری [23] + متن اویغوری [23] برابر با کتاب غولان آرامی.

س) دیوها برخی از یاری گران بهشتی را دستگیر می‌کنند. در پی آن فرشتگان از بهشت می‌رسند برای ترساندن دویست دیوی که به گونه آدمی درآمده‌اند و خود را میان آدمیان پنهان کرده‌اند. فرشتگان آنان را جدا می‌کنند و نگهبانان رابر ایشان می‌گمارند. سپس آنها غولها را از دیوها جدا می‌کنند و آنها را به ۳۲ شهری که روح زنده برایشان آماده کرده است می‌فرستند. این مردمان هنرها و صنعت را پدید می‌آورند. نبرد ۴ فرشته با دویست دیو درمی‌گیرد. بسیاری کشته می‌شوند از جمله صدها هزار پرهیزگار در نتیجه آتش، نفت و گوگردی که فرشتگان در نبرد به کار می‌گیرند، کشته می‌شوند. فرشتگان اخنوخ را می‌پایند. گزیدگان و نیوشایان ر بوده می‌شوند و دیگر زنان زیبا به زور به ازدواج درمی‌آیند. نبرد ادامه می‌یابد. اتنبش به سختی می‌جنگد و سه غول کشته می‌شوند. فرشته‌ای به نام «فرشته بزرگ» پیغام‌آور ایزدان کشته و نابود می‌شود. متن‌های این بخش عبارتند از: متن سغدی [15] + متن فارسی میانه [15] + متن پهلوانیگ [15] + متن قبطلی [15] + متن پهلوانیگ [13] + متن پهلوانیگ [20] + متن پهلوانیگ [15] + متن قبطلی [15].

ک) آموزه نوشته‌ای درباره ۵ عنصر، متن‌های این بخش عبارتند از: متن‌های فارسی میانه [15].

ل) متن تفسیری درباره نیوشایان. متن‌های این بخش عبارتند از: قطعه‌هایی به فارسی میانه [15].

متن‌هایی با جایگاه تردیدپذیر:

الف) متن سغدی M5000nv: کسی (شاید یک غول) نیرومندی و جاودانگی غولان بویژه سام و برادرش را می‌ستاید. پشت متن که زمانی خالی شمرده می‌شد و در واقع در بخشی از کاغذ پنهان شده بود می‌گوید که نه بخشایش و نه مرگ مؤمن رستگاری نهایی را پدید نمی‌آورد، نه غولها، نه ... نه فرمانروا و نه شاه ... [19]. چون در این متن از سام و نریمان نام برده شده است و نیز از طلب بخشایش کردن به نظر من می‌توان آن را در بند "ط" کتاب غولان جای داد.

- (ب) متن پهلوانیگ M4990r: در این متن از سه پادشاه و پهلوان دوران اساطیری ایران یاد شده است. از دیدگاه مورانو آن را می توان در آغاز کتاب جای داد [19].
- (ج) متن پهلوانیگ M813/I: نقل قول‌هایی در متن سغدی از نسخه پهلوانیگ کتاب غولان. زندگی اهریمنی غول‌ها یاد شده است. در متن آمده است /هیه و برادرش در پای پدر گرامی‌شان می‌میرند. از این دیدگاه می‌توان آن را بخش پایانی کتاب غولان دانست و در ردیف "ی" جای داد [19].
- (د) متن سغدی M7800II: متن به داستان دیوهای سقط شده شکلون و پسوس می‌پردازد. این متن در صفحه دوم یک قطعه دو ستونی نوشته شده است که در صفحه نخست آن متنی از کتاب غولان آمده است، پس این متن نیز از همین کتاب است. آن را می‌توان در آغاز کتاب چنان پیشگفتاری کیهان شناختی جای داد [19].
- (ه) متن سغدی Otani 7447/r: متنی بسیار کوتاه که در آن از "هوبیش" نام رفته است. شاید بتوان آن را در ردیف "د" جای داد [19].
- (و) متن اویغوری U288: متنی بسیار کوتاه که نمی‌توان جایی برایش مشخص کرد [23].
- (ز) متن اویغوری U269: عنوانش به نیوشاپان می‌پردازد. بنابراین می‌توان آن را در ردیف "ل" جای داد [19].
- متن‌هایی که می‌توان آنها را از کوان دانست:
- (الف) متن سغدی So 10700a+So 20193a: از سام ک و (s'xm kwy) چندین بار نام برده شده است. گویا گفتگویی است میان غولها. از فرستاده‌ای نام برده شده است (یکی از فرشتگان مقرب؟ اخنوخ؟). از دیدگاه مورانو می‌توان آن را در ردیف "ج" یا "د" جای داد [19].
- (ب) متن سغدی So10701a: از غولی (سام؟) نام برده شده است و گفته می‌شود که اقیانوس (mx'smwtry) به رنگ سرخ در آمده است (شاید از خون کسته شدگان) [19].
- (ج) متن‌های سغدی So14255 و So14256: هر دو متن درباره "پیسوس" و "اشقلون" است. این متن همانندی بسیاری با M7800II دارد. آن را می‌توان به گونه پیشگفتاری کیهان شناختی برای کتاب غولان دانست و در آغاز کتاب جای داد.
- (د) متن سغدی So20193b: از همان دست نوشته‌ای است که متن‌های So10700a، So10701a و So20193b از آن هستند. از سام کو نام برده شده است. به خاطر نام بردن از سام می‌توان آن را در میان کتاب جای داد (برای نویسه گردانی، آوانوشت و برگردان این متن‌های سغدی نک. بختیاری [۵]).

بر پایه آنچه گذشت، متن‌های بر جای مانده از کوان به فارسی میانه، پهلوانیگ، سغدی و اویغوری اگرچه قطعه قطعه‌اند و متنی یکپارچه را به دست نمی‌دهند، با اینهمه می‌توانند ساختار بنیادین کوان را برای ما روشن نمایند که عبارت است از:

۱- پیشگفتار کیهان شناختی (پیشینه مانوی آفرینش، متن‌های سغدی "د" و "ج")

۲- گزارش داستان کوان (غول‌ها و دیوها، بندهای "الف" تا "ی")

۳- آموزه نوشته‌ای در باره پنج عنصر (بند "ک")

۴- مواعظ نیوشایان (بند "ل")

اما در هر یک از بخش‌ها، بر پایه گفته‌های ابن ندیم، در بخش نخست، یعنی پیشگفتار یا پیش درآمد کیهان شناختی کتاب غولان مانی، از آنجایی که سر برگ متن سغدی M7800II عبارت: $wy\delta\beta'\gamma \check{c}n p\check{s}'qt \delta ywtyy$ است و $wy\delta\beta'\gamma$ در سغدی برابر با *saxwan/wifrās* پهلوانیگ است که در آلمانی به *Sermon* [14,p36] و در عربی برابر موعظه/ مواعظ است، پس می‌توان عنوان این بخش را "موعظه دیوهای سقط شده" دانست که پس از آن بخش پایه‌ای کتاب، همان داستان هبوط و نبرد کوان و دیوان آمده است. عنوان این بخش را می‌توان بر پایه سر برگ قطعه L سنت پترزبورگ و نیز متن M5900 به گونه *gowišn māzindarān rāy* "موعظه درباره دیوها" بازنویسی کرد. عنوان بخش سوم آموزه نوشته‌ای درباره پنج عنصر (*pnz mhrspnd'n*) را می‌توان به پهلوانیگ *panj mahraspandān wifrās* "موعظه پنج عنصر" برگرداند. بخش پایانی را که بر پایه متن اویغوری U269v با سر برگ *nqwškl'r* آمده، می‌توان به پهلوانیگ *niγōšāgān wifrās* "موعظه نیوشایان" برگرداند. بنابراین عنوان هر بخش را می‌توان به گونه زیر دسته‌بندی کرد:

الف) بر پایه متن سغدی $wi\delta\beta\bar{\alpha}\gamma \check{c}an p\check{s}\bar{a}kt \delta iwt\bar{e}$ "موعظه دیوهای سقط شده"

ب) بر پایه متن فارسی میانه *gowišn māzindarān rāy* "موعظه در باره غول‌ها"

ج) "موعظه پنج عنصر" *panj mahraspandān wifrās/gowišn/saxwan*

د) بر پایه متن اویغوری *niγōšāgān wifrās/gowišn/saxwan* "موعظه نیوشایان".

نتیجه‌گیری

بر پایه آنچه گذشت، گفته راه‌گشای ابن ندیم که در یکی از دست نوشته‌ها آمده است و بر پایه سر برگ سغدی تأیید می‌شود و بازگو کننده این نکته است که کوان در بردارنده

موعظه‌هایی است درباره کوها (= گولها) که نتیجه اخلاقی آن موعظه‌هایی است برای نیوشایان. در واقع هدف تدوین کتاب غولان باید مبتنی باشد بر کفالیای ۳۸ درباره منوهمدروشن و فرستاده‌ها و مقدسان. در اینجا کتاب غولان تمثیلی است برای کشاکش مستمر انسان نو و کهن که در بدنش به بند کشیده شده‌اند. متن "L" سنت پترزبورگ کتاب غولان این برداشت را تأیید می‌کند و در واقع نمی‌تواند تصادفی باشد که قطعه ترکی منوهمدروشن از آن است [21].

مانی آشکارا با کتاب‌هایش گروه‌های هدف گوناگونی را مدنظر داشته است، بدین منظور برگرفتن نوشته‌های «اصلی» سنت دینی موجود که خود را پیرو آنان می‌دانست به او یاری می‌داد. بدین‌سان برای مثال *انجیل زنده‌اش*، نوشته‌ای است برای مردمی با پس زمینه مسیحی که می‌خواست برای آنها دینش را چنان «مسیحیت راستین» عرضه کند و عنوان *انجیل* را برایش برگزید. در *شاپورگان* تا حد زیادی به سنت زردشتی ارجاع داده، چرا که گروه هدف او درباره ساسانی است که در برابر مانی به عنوان «مصلح آموزه-های زردشت» قرار می‌گرفتند. بنابراین کتاب غولان، از دستمایه‌های ادبی سنت یهودی، آموزه نوشته‌ای مانوی ساخت که در آن یکی از نوشته‌های دینی پیشین را در خود پذیرفته بود [16].

با وجود افزایش دستمایه‌های پژوهشی از زمان هنینگ، همان دشواری بنیادین باقی مانده است: هم از کتاب غولان مانی در نسخه‌های گوناگونش (فارسی میانه، سغدی، اویغوری باستان، نیز نقل قول‌های پهلوانیک و قبطی) و هم از کتاب غولان آرامی، قطعه‌های اندکی برجای مانده است که آرایش آن هم‌چنان معما است. موقعیت آنگاه پیچیده‌تر می‌شود که در روایت خاوری، دستمایه‌های اسطوره‌ای ایرانی راه یافته است. مانویان آشکارا به دنبال هم‌تاهایی بودند تا این نظام‌های گوناگون اسطوره‌ای را با یکدیگر پیوند دهند و به ابر نظام خاص خود تبدیل کنند. عناصر خاص اسطوره‌ای ایرانی بی‌تردید ویژگی اثر را تغییر نداده است. نکته‌ای را که البته باید تأکید کرد این است که نامیدن برخی از گول‌ها در روایت‌های ایرانی مانوی با نام پهلوانان ادبیات حماسی ایرانی مانند سام و نریمان خود می‌تواند متأثر از روایت یهودی کهن باشد که فرزندان پسران آسمانی و دختران انسان، پهلوانان دوران کهن بوده‌اند [24].

برای بررسی درون مایه کتاب غولان مانی، متن سنت پترزبورگ که زوندرمان آن را بررسی کرده، دارای اهمیتی فراوان است. نخستین برگه دربر دارنده بخشی از کتاب غولان مانی است.

در حالی که برگه دوم به اندرز منوهدم روشن تعلق دارد که موضوع آن پیدایش انسان نواز انسان کهن است به دست منوهدم روشن - نک اندرز منوهدم روشن [۹].

میراث فکری و اخلاقی کتاب کتاب غولان مانی و کفالای ۳۸ در پیوندی تنگاتنگ با یکدیگرند. این بخش از کفالایا توصیف‌گر نمونه‌ای جهان اکبری است برای شورش‌های تکرار شوند که هم‌تاهای خود را در سوبه‌های جهان اصغری دارند. از دیدگاه زونددرمان این همانندی در دومین بخش قطعه کتاب غولان سنت پترزبورگ هم توضیح داده شده است [24]: بنابراین، هم در کفالایا ۳۸ و هم در اندرز منوهدمروشن و نیز در کتاب غولان، رویداد جهان اکبری شورش دیوها در عهد عتیق، چنان موعظه‌ای برای رویداد جهان اصغری شورش در سطوح انسان‌شناختی به دست مانی به کار گرفته شده است. پس می‌توان گفته این ندیم را این چنین بازسازی کرد:

"کتاب سفر الجبابره و یحتوی (علی مواعظ) [هولاء الجبابره من حروبهم و احوالهم و الذین منهم سام و نریمان و علی مواعظ سماعون]».

منابع

- [۱]. آبری، سی. آر. سی. (۱۳۵۷). *زبور مانوی*، مترجم: ابوالقاسم اسماعیل پور، تهران، فکر روز.
- [۲]. ابن ابی یعقوب، احمد. (۲۵۳۶). *تاریخ یعقوبی*، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- [۳]. ابوالقاسمی، محسن. (۱۳۷۹). *مانی به روایت ابن ندیم: ترجمه متن عربی الفهرست ابن ندیم*، تهران، طهوری.
- [۴]. افشار شیرازی، احمد. (۱۳۳۵). *مانی و دین او*، تهران، انجمن ایران‌شناسی.
- [۵]. بختیاری، آرمان. (۱۳۹۷). "چند قطعه دیگر از کتاب غولان مانی؟ بررسی قطعه‌های احتمالی سعیدی از کوان"، مجموعه مقالات سومین همایش بین‌المللی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی (گذشته و حال)، به کوشش محمود جعفری دهقی و شیما جعفری دهقی، تهران، مرکز دایر المعارف بزرگ اسلامی، صص ۲۳۳-۲۷۸.
- [۶]. بختیاری، آرمان، درویشی، سپیده. (۱۳۹۴). «بازسازی انجیل زنده مانی بر پایه متن‌های ایرانی مانوی، یونانی، قبطی و اسلامی، ادیان و عرفان، سال ۴۸، شماره دوم، پاییز و زمستان، صص ۱۸۵-۲۰۶».
- [۷]. تفضلی، احمد. (۱۳۷۶). *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، تهران، سخن.
- [۸]. زونددرمان و ورنز. (۷۳۸). «پیشینه، جایگاه و برنامه‌های پژوهش‌های تورفانی، ترجمه آرمان بختیاری، نامه فرهنگستان، سال ۵، شماره ۳، صص ۱۷۵-۱۸۶، تهران».
- [۹]. زونددرمان، ورنز. (۱۳۹۳). *اندرز منوهدمروشن*، ترجمه آرمان بختیاری، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی.
- [۱۰]. عزیزی، نصرالله. (۱۳۹۳). *بررسی تطبیقی دین مانی در متن‌های عربی با آموزه‌های دین مانی*، استاد راهنما دکتر آرمان بختیاری، همدان، دانشگاه بوعلی سینا.

- [۱۱]. مسعودی، علی بن حسین. (۱۹۳۸). *التنبیه و الاشراف*، قاهره، مکتبه شرق الاسلامیه و مطبعها
- [12]. Boyce, M. (1975). *A Reader of Manichaean Middle Persian and Parthian*, *Acta Iranica 9a*, Tehran, Leiden.
- [13]. Colditz, Iris (1987). "Bruchstücke manichäisch-parthischer Parabelsammlungen", *Altorientalische Forschungen*, XIV, PP.274-313.
- [14]. Durkin-Meisterernst, D. (2011). "Literarische Termini in mitteliranischen manichäischen Texten", *Der östliche Manichäismus*, Berlin, Walter de Gruyter, PP.27-45.
- [15]. Henning, W. B. (1943). "The Book of Giants", *Bulletin of the school of oriental and African studies*, 11, 1, PP.52-74.
- [16]. Hutter, M. (2004). "Zur Funktion des Beginns von Manis Gigantenbuch", *Turfan Revisited-The first century of Research into the arts and cultures of the Silk Road*, edited by Desmond Durkin-Meisterernst and the others, Berlin, Dietrich Reimer Verlag, PP.134-137.
- [17]. Kessler, K. (1889). *Mani, Forschungen über die Manichäische Religion*, Berlin, Druck und Verlag von Georg Reimer.
- [18]. Morano, E. (2009). "If they had lived ... A sogdian-parthian Fragment of manis Book of Giants", *Exegisti Monumenta, Iranica 17* by Werner Sundermann and the others, Wiesbaden, PP.325-330.
- [19]. Morano, E. (2011). "New Research on Manis Book of Giants", *Der östliche Manichäismus*, Herausgegeben von Zekine Özertural, Germany, De Gruyters, PP.101-111.
- [20]. Sundermann, W. (1973). *Mittelpersische und parthische kosmogonische und Parabeltexte der Manichäer*, Berlin, BT IV.
- [21]. Sundermann, W. (1984). "Ein weiteres Fragment aus Manis Gigantenbuch", *Orientalia, Leiden*, PP.491-505.
- [22]. Sundermann, W. (1994). "Manis book of Giants and the Jewish books of Enoch", Sh. Shaked, A. Netzer (Hrg.), *Irano Judaica, III*, Jerusalem, PP.40-48.
- [23]. Wilkens, J. (2000). "Neue Fragmente aus Manis Gigantenbuch", *ZDMG* 150, PP.133-176.
- [24]. Wilkens, J. (2011). "Funktion und gattungsgeschichtliche Bedeutung des manichäischen Gigantenbuchs", *Der östliche Manichäismus*, Herausgegeben von Zekine Özertural und Jens Wilkens, DE Gruyter, PP.63-85.
- [25]. Wilkens, J. (2016). "Remarks on the Manichaean book of Giants: once again on Mahaway's Mission to Enoch", "Ancient tales of Giants from Qumran and Turfan", edited by Matthew Goff and the others, Germany, Mohr Siebeck, PP.213-230.